

تبیین عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مهاجرت معکوس از شهر به روستا (نمونه موردی:

شهرستان سرپل ذهاب)

معارف الفتی^۱ - منصور حقیقتیان^{۲*} - سید ناصر حجازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

چکیده:

این تحقیق با هدف بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مهاجرت معکوس از شهر به روستا می‌باشد. پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل خانوارهای دارای مهاجرت معکوس از شهر به روستا در شهرستان سرپل ذهاب می‌شود که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۰۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو نرم افزار spss و amos استفاده شد. سوال تحقیق این است که آیا بین عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مهاجرت معکوس از شهر به روستا در شهرستان سرپل ذهاب رابطه وجود دارد؟ یافته‌ها نشان داد که بین اتحاد و همدلی، تسهیلات آموزشی، مشکلات شهری، جاذبه‌های گردشگری، فرار از آسیب‌های فرهنگی، فناوری‌های نوین ارتباطی، دسترسی به منابع، توسعه زیرساخت‌ها و امکانات زیربنایی، ایجاد درآمد و مهاجرت معکوس از شهر به روستا رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: مهاجرت معکوس، عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

JPIR-2106-1908

^۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

^۲ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران: نویسنده مسئول

Mansour_haghighatian@yahoo.com

^۳ - استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

مهاجرت معکوس پدیده‌ای مهم و در مقیاس ملی حرکت خطی مهاجران از سکونتگاه شهری به سوی سکونتگاه روستایی بنا به دلایلی درمانی، بازنشستگی و غیره بوده و مکان اولیه تولد و زندگی مهاجران شهر است. «استفاده از فضاهای روستایی از سوی شهرنشینان، اغلب به منظور فراغت و کاهش بار روانی مشکلات حاکم بر فضاهای شهری به‌عنوان کنشی مکانی - فضایی صورت می‌پذیرد. (افراخته و حجتی‌پور، ۱۳۹۲: ۲) چنانچه در مناطق روستایی مهاجر فرست، توسعه زیرساخت‌ها و امکانات زیربنایی برای فعالیت‌های اقتصادی و رشد و پیشرفت فرهنگی و سیاسی ملاحظه شود، منجر به بروز پدیده مهاجرت بازگشتی می‌شود. (منافی‌آذر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۵) بر این اساس مهاجرت‌های معکوس بر بزرگسالان و بازنشستگان استوار است. در عین حال عده‌ای از جوانان نیز ترجیح می‌دهند به دلایل بهداشتی (عدم آلودگی هوا، آب، صدا و ...) در روستا اقامت نموده و روزها صرفاً برای کار وارد شهر شوند. (ربانی، ۱۳۹۰: ۹۶) مهاجرت معکوس و جریان ضد شهرنشینی را می‌توان حالتی از حالات شهرگرایی روستایی قلمداد کرد، چرا که شهرگرایی حومه‌ها و نواحی روستایی فرآیندی اجتماعی است که شامل گسترش ایده‌ها و شیوه‌های زندگی شهری در نواحی روستایی است و مشخص‌ترین حالت آن حرکت مردم از شهر - ها به نواحی روستایی است. لیکن روستاهای خوابگاهی یا توریستی و خانه‌های دوم را نباید با مهاجرت بازگشتی منطبق دانست. زیرا روستاهای خوابگاهی محل سکونت شهروندانی است که در شهر به فعالیت مشغولند و خانه دوم به خانه اطلاق می‌شود که ساکنان شهرها در نواحی روستایی خوش‌آب‌وهوا برای گذراندن اوقات فراغت و استراحت تدارک می‌بینند درحالی‌که محل سکونت و فعالیت رسمی آنها در شهر است. این خانه‌ها خود می‌تواند زمینه‌ساز بازگشت مهاجران به مبدأشان باشند. (افراخته و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶) در سال ۱۳۹۵، ده هزار و هشتصد و نه هزار خانوار در روستاهای سرپل ذهاب زندگی می‌کردند که در خرداد ماه ۱۳۹۸، این تعداد به دوازده هزار و سیصد و سی و سه خانوار افزایش یافتند. به علت مهاجرت معکوس از شهر به روستا که به علت تورم، بیکاری، گرانی کرایه خانه‌ها، گرایش مردم به زندگی قومی و قبیله‌ای به روستاها، مهاجرت کردند. در طی سالها آرام آرام بافت اجتماعی و اقتصادی شهر و روستاهای سرپل ذهاب تغییر کرده و با بهبود شبکه راه‌ها، این روستاها که در جوار شهر، رو به رشد هستند، شکل جدیدتر و ماهیتی توسعه یافته به خود گرفته‌اند. رشد خانه سازی و اسکان مهاجران و ساخت خانه‌های ویلایی و آپارتمانی در محیط‌های روستایی، ساخت فیزیکی روستاها را تغییر داده و به نظر می‌رسد در تغییر کارکرد آن نیز تأثیرگذار خواهد بود. تغییراتی از قبیل

رشد جمعیت، رشد نیروی کار در محل مهاجرپذیر و تغییرات مثبت و منفی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، که تغییرات مثبت می‌توانند آثار مثبت بر جامعه برجا گذارند و تغییرات منفی که ضرورت پرداختن به آنها بسیار دارای اهمیت بوده و می‌توانند به عنوان مسأله‌ی پویش روی مهاجرت معکوس مورد بررسی قرار گیرد. ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر تنها برای شناخت این پروسه اجتماعی و اطلاع رسانی و تأکید بر توجه مسئولان ذیربط سیستم مدیریتی و اقتصادی با در نظر گرفتن روابط بسیار نزدیک این شهر به روستاهای مورد مطالعه است که البته این تحقیق می‌تواند زیربنایی برای تحقیقات بعدی پژوهشگران، با الگوبرداری از نمونه‌های موفق درون مرزی و برون مرزی، با توجه به رشد مهاجرت‌های معکوس و کارکرد آن در مناطق روستایی و شهری باشد.

مسئله پژوهش

امروزه، توجهی که سازمان‌های بین‌المللی به ارتباط میان مهاجرت و توسعه می‌کنند، نیاز به مرور دوبارهٔ رویکردهای مهاجرت معکوس را نشان می‌دهد. به مرور بسیاری از دولت‌ها در این کشورها به این حقیقت بنیادی رسیده‌اند که بحران شهری نخست بحران تولیدکنندگان روستایی است. آمارها نشان می‌دهند که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وزن و اهمیت روستاها به مراتب بیش از میزان توجهی است که به آنها می‌شود و همان گونه که رشد سریع شهرنشینی یک مسألهٔ مربوط به این کشورهاست، روستانشینی و لزوم توجه به توسعهٔ روستایی نیز به عنوان مهمترین مسأله در این کشورها مطرح است. مهاجرت‌ها و حرکت‌های جمعیتی در ایران عموماً از مناطق عقب مانده و کمتر توسعه یافته به سمت مناطق پیشرفته و رشدیابنده از روستا به روستا و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد. امروزه ما شاهد مهاجرت دوسویه هستیم؛ حرکت از روستاها به شهرها و مهاجرت از شهر به روستاها هرچند با آهنگ کندتر. هم اکنون مهاجرفرستی روستاها در بعضی مناطق روند معکوس به خود گرفته است و به سوی مهاجرپذیری پیش می‌رود. از برگشت جمعیت یا جریان ضد شهرنشینی با عنوان مهاجرت معکوس نام برده می‌شود. جریان غالب مهاجرت از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به بزرگ، طی سال‌های اخیر جریان وارونه مهاجرت از شهرها به خصوص، کلان شهرها به نواحی روستایی پیرانشهری شکل گرفته است. این نوع مهاجرت به علت مشکلات فراوان شهری انجام می‌گیرد. پدیده مهاجرت بازگشتی، بیشتر واکنشی نسبت به ایجاد جذابیت در مناطق روستایی قلمداد می‌شود که از طریق ایجاد درآمد در فعالیت‌هایی مانند کشاورزی و دامداری، بازنشستگی و گاه ناشی از مشکلات زندگی شهری پدید می‌آید. مهاجرت بازگشتی غالباً بزرگسالان و بازنشستگان را شامل شده و گاهی نیز جوانان به دلایل بهداشتی یا به تبع خانواده، این نوع مهاجرت را بر می‌گزینند. اگر شرایط به نحوی تغییر یابند که ارتقای کیفیت زیستی و امکانات در روستا همراه با

ارتقای سطح درآمد کشاورزی (در واحد سطح) باشد، زندگی در روستا را جایگزین جذابی برای محیط آلوده پرهزینه شهری می‌سازد. رونق اقتصادی در روستاها، خانواده‌های مهاجر را به روستاها کشانده و مهاجرت بازگشتی صورت خواهد گرفت. استفاده از فضاهای روستایی از سوی شهرنشینان، اغلب به منظور فراغت و کاهش بار روانی مشکلات حاکم بر فضاهای شهری به عنوان کنشی مکانی- فضایی صورت می‌پذیرد. در مهاجرت بازگشتی، محل تولد و زندگی مهاجران روستا بوده و به دلایل مختلف اقتصادی و اجتماعی و غیره به شهر مهاجرت کرده و مدتی نسبتاً طولانی از عمر فعال خود را در شهر سپری کرده و سپس به روستای موطن خود باز می‌گردند. عوامل جاذبه روستایی (ارزانی زمین و مسکن، زمین ارثی، هوای لطیف و پاکیزه، نبود مشکلات شهری) و دافعه شهری (گرانی زمین و مسکن، فشارهای روحی روانی، تبعیض نژادی، آلودگی هوا و غیره) و توسعه شبکه حمل و نقل موجب تحرک مکانی به صورت مهاجرت بازگشتی می‌شود. هدف از بازگشت اقامت و زندگی است. چنانچه در مناطق روستایی مهاجرفرست، توسعه زیرساخت‌ها و امکانات زیربنایی برای فعالیت‌های اقتصادی و رشد و پیشرفت فرهنگی و سیاسی ملاحظه شود منجر به بروز پدیده مهاجرت بازگشتی می‌شود. (افراخته و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶) بنابراین ایده بازگشت به مبدأ در شخص به وجود آمده و وضعیتی را بیان می‌کند که شخص مهاجر با تمایل خود و به ویژه بعد از مدت زمان مشخص به مبدأ بر می‌گردد. در چند سال اخیر، روند مهاجرت بازگشتی در روستاهای شهرستان سرپل‌ذهاب افزایش چشمگیری داشته است. در این تحقیق به این پرسش می‌پردازیم که چه عواقبی در محل مقصد با توجه به مهاجرت معکوس پیش خواهد آمد و نوع تأثیرگذاری به چه شکل است و مهاجران چه تأثیراتی بر تغییرات مبتنی بر عوامل اجتماعی و اقتصادی این روستاها خواهند داشت و اینکه ورود فرهنگ‌های مختلف چه تأثیری در بخشهای فرهنگی و سیاسی روستاها خواهد داشت؟

تعریف مفهوم

مهاجرت معکوس

از برگشت جمعیت یا جریانی ضد شهرنشینی با عنوان مهاجرت معکوس نام برده می‌شود، این نوع مهاجرت یعنی مهاجرت از شهر به روستا شامل کارشناسان و کارمندان دائم و افرادی می‌گردد که به علت مشکلات فراوان شهری اقدام به چنین مهاجرت‌هایی می‌کنند. مهاجرت معکوس را می‌توان حالتی از حالات «شهرگرایی نواحی روستایی» قلمداد کرد، چرا که شهر-گرایی حومه‌ها و نواحی روستایی فرآیندی اجتماعی است که شامل گسترش ایده‌ها و شیوه‌های زندگی شهری در نواحی روستایی بوده و مشخص‌ترین حالت آن، حرکت جمعیت از شهر-ها به نواحی روستایی است. (قاسمی و همکاران، ۲۰: ۱۳۹۳)

فرضیات تحقیق

پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به برخی هدف‌ها است که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم جریان تحقیق را راهبری می‌کنند. این اهداف در دو مقوله هدف اصلی و اهداف فرعی قابل دسته بندی هستند:

به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مهاجرت معکوس از شهر به روستا رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه پژوهش

یعقوبی و زبیدی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی انگیزه‌های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود- استان زنجان» پرداختند. با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی انگیزه‌های مهاجرت معکوس به روستا در چهار عامل شامل بهبود وضعیت رفاهی و بهداشتی در روستاها، جاذبه‌های طبیعی روستا و تأمین محیط آرام، بهبود چشم‌انداز سودآوری کشاورزی در آینده و بهبود ظرفیت اشتغالزایی منطقه خلاصه شده که این عوامل در مجموع ۶۰/۸۰ درصد از واریانس کل انگیزه‌های مهاجرت را تبیین نمودند. پیامدهای مهاجرت معکوس نیز در سه عامل توسعه شاخص‌های عمرانی و سلامتی، افزایش نرخ مشارکت و سرمایه‌گذاری و آرامش روانی خلاصه شده که این عوامل مجموعاً ۶۵/۳۳ درصد از واریانس پیامد‌های مهاجرت را تبیین نمودند.

محمدپور لیما و عالیزاد میناآباد (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «واگرایی شهری و فرایند خروج ساکنان از منطقه کلان شهری (مورد شناسی: تهران)» پرداختند. نتایج به دست آمده مشخص می‌سازد که آلودگی‌های محیطی و مسائل اجتماعی در تصمیم ساکنان شهر تهران به خروج از کلان شهر تهران موثر است و عوامل اقتصادی فاقد رابطه معنادار با این امر است.

منافی آذر و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «مهاجرت بازگشتی و پیامدهای آن بر سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش باروق شهرستان میان‌دوآب)» پرداختند. نتایج تحلیل عاملی نشان داد عوامل مختلفی در بازگشت مهاجران نقش داشته است که از بین آنها عامل‌های اقتصادی و عمرانی - اجتماعی به ترتیب با مقدار ویژه ۲/۴۹ و ۲/۳۱ بیشترین تأثیر را در بین عامل‌های بارگذاری شده به خود اختصاص داده‌اند و عامل فرهنگی - قومی کمترین تأثیر را در بین عامل‌ها داشته است. نتایج تحلیل مسیر اثرات بازگشت مهاجران در روستاها، نشان داد مهاجران بازگشته بیشترین تأثیر را در شاخص‌های عمرانی - کالبدی و کمترین پیامد را در شاخص اجتماعی داشته‌اند.

علی بابایی و جمعه‌پور (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «فرآیند و الگوی مهاجرت معکوس

روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهستان حاجیلو - شهرستان کبودرآهنگ) پرداختند. چهار عامل سطح توسعه در روستاها، شرایط زندگی شهری، میزان درآمد مهاجران و تعلق قومی و محلی به عنوان عوامل احتمالی مؤثر بر مهاجرت معکوس شناسایی و رابطه آن با مهاجرت معکوس بررسی شد و در چهارچوب تحلیل همبستگی، مورد آزمون قرار گرفت. در این پژوهش در پیمایش میدانی از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. چارچوب نظری این تحقیق از تلفیق و ترکیب دو دسته از نظریات مربوط به مهاجرت موسوم به دیدگاه اقتصادی و رویکرد اقتصاد جدید مهاجرت کار شکل گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیرهای سطح توسعه، شرایط نامساعد شهری، میزان درآمد افراد و تعلقات قومی و بومی از یک طرف و مهاجرت معکوس از طرف دیگر رابطه مستقیم وجود دارد.

ربهان و براون (۲۰۱۵) نشان داد، گرایش بالای افراد به تغییر محل سکونت، اساساً شامل تغییر نوع سکونت است. مهاجرت‌های شهری-روستایی بر اهمیت ویژگی‌های فردی خاص تأکید دارند و تأثیر دوره زندگی و ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی را نشان می‌دهند. این دانشمندان توانستند به پروفایلی دست پیدا کنند که ویژگی‌های جمعیت شناختی مطلوب افرادی که شهرها را به مقصد مناطق روستایی ترک کرده‌اند نشان می‌دهد.

مبانی و چارچوب نظری

نظریه‌های متفاوتی در زمینه علل و پیامدهای مهاجرت معکوس ارائه شده است. گرچه دیدگاه‌های مربوط به مهاجرت تفاوت‌هایی با هم دارند، ولی در همه این نظریات، مهاجرت سازوکاری برای بازتوزیع نیروی کار است. بعضی از این دیدگاه‌ها از دید کلان به مسئله مهاجرت نگاه می‌کنند و عامل مهاجرت را محدودیت‌های ساختاری قلمداد می‌کنند. از سوی دیگر برخی از این دیدگاه‌ها، مهاجران را به عنوان افرادی در نظر می‌گیرند که درگیر محاسبات هزینه-فایده هستند و برای بهبود در سطح زندگی مهاجرت می‌کنند. بررسی مطالعات حاکی از آن است که دلایل مهاجرت بازگشتی به نواحی روستایی عمدتاً اقتصادی، بوم شناختی و یا در ارتباط با کیفیت زندگی است. به علاوه مهاجرت معکوس در ایران شکل دیگری از مهاجرت معکوس در کشور-های پیشرفته است. در کشورهای پیشرفته ساکنین شهرها عمدتاً از مشکلات بزرگتر مراکز شهری به دنیای قابل اداره‌تر و سالم‌تر حاشیه سوق داده می‌شوند، اما در کشورهای جهان سوم عمدتاً دسترسی به فرصت‌های شغلی، مسکن ارزانتر و دیگر دلایل موجب جابجایی جمعیت از شهرها به سکونتگاه‌های روستایی می‌گردد. چنانکه در اغلب تحقیقات انجام شده در کشور تأمین زمین و مسکن ارزان قیمت در روستا و نزدیکی به محل کار و فعالیت به عنوان مهمترین علل شکل‌گیری مهاجرت‌های معکوس و بازگشتی مطرح شده است.

میرفلاح نصیری و همکاران (۱۳۹۶) مهمترین دلایل شکل‌گیری مهاجرت معکوس را شرایط آب و هوایی و اقلیمی و انگیزه‌هایی نظیر رها شدن از زندگی در شهرهای آلوده و پرازدحام، رسیدن به آرامش در محیط طبیعی و دسترسی به زمین و مسکن ارزان ذکر کرده‌اند. در موضوع مهاجرت روستا - شهری دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و عوامل اقتصادی، اجتماعی، طبیعی، سیاسی، فرهنگی، ارتباطی، اداری و غیره در آن مؤثر هستند. اندیشمندان با طرح مکاتب و رویکردهای متعدد موضوع مهاجرت‌های روستا به شهر را تبیین و تفسیر کرده‌اند که مهم‌ترین این دیدگاه‌ها عبارتند از نظریه‌های: دویخشی، سرمایه‌گذاری انسانی، مطلوبیت مهاجرت داخلی، رهیافت سیستمی، جذب و دفع، تفاضل هزینه در مهاجرت، درآمد مورد انتظار مهاجر در مقصد، کارکرد باوری مهاجرت، وابستگی و مهاجرت، تحلیل توسعه نیافتگی، تأثیرات متقابل شیوه تولید سرمایه‌داری و شیوه تولید ماقبل سرمایه‌داری که در مطالعه حاضر نظریه جذب و دفع (عوامل میانی لی) بیشتر مدنظر قرار گرفته است. طبق نظر «لی» چهار عامل عمده در مهاجرت مؤثرند: عوامل موجود در مبدأ، عوامل موجود در مقصد، موانع موجود در جریانات مهاجرت از مبدأ به مقصد و عوامل شخصی. در هر مبدأ و مقصدی یک سری عوامل مثبت (جاذبه‌ها) و عوامل منفی (دافعه‌ها) وجود دارند که در نگاه داشتن فرد در یک منطقه یا مهاجرت او مؤثرند.

در این تحقیق از نظریه‌هایی استفاده شده است که توسط آن بتوان تاثیر سیاست‌های تشویقی دولت بر تمایل به مهاجرت به خارج از شهر را سنجید. نظریه راونشتاین بیان می‌نماید که هر جریان مهاجرت روستایی به شهر یک جریان متقابل کوچ برگشتی از شهر به روستا را دنبال دارد و همچنین این یکی از قوانین مهاجرت راونشتاین می‌باشد. طبق این رویکرد اگر مهاجر موقعیت و فرصت بهتری در مکان‌های غیر کلان شهر بوجود بیاید احتمال دارد که تصمیم و اقدام به مهاجرت برگشتی نماید. لی نیز بیان می‌دارد که فرد با توجه به عوامل‌های دافعه و جاذبه در مبدأ و مقصد و همچنین موانع موجود در سر راه مهاجران، اقدام و تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. طبق رویکرد لی افراد در صورتی تمایل به مهاجرت دارند که عوامل دافعه در مبدأ بیشتر از عوامل جاذبه باشد و همچنین عوامل جاذبه در مقصد بیشتر از عوامل دافعه باشند. نظریه سرمایه‌انسانی که به نظریه هزینه-فایده موسوم است، بیان می‌کند ارزیابی عقلانی هزینه-ها و منافع برای مهاجرت در نظر گرفته می‌شود.

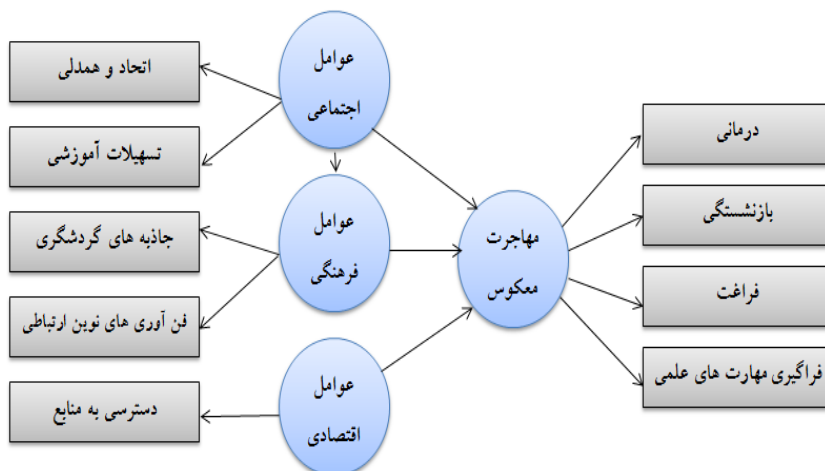
از آنجایی که شکل‌گیری جریان مهاجرت معکوس عمدتاً در ارتباط با روستاهای پیرامون شهرها خصوصاً کلان شهرها است، مطالعات چندی در کشور در قالب روابط متقابل عملکردی شهر و روستا (خصوصاً روستاهای خوابگاهی پیرامون کلان‌شهرها) انجام پذیرفته است که به صورت

پراکنده و مختصر به موضوع مهاجرت معکوس پرداخته‌اند. یکی از نقاط قوت این پژوهش، پرداختن به این موضوع می‌باشد. بررسی مطالعات انجام شده در زمینه مهاجرت معکوس نشان می‌دهد که به علت نسبتاً جدید بودن موضوع مهاجرت معکوس از شهر به روستا در ایران، مطالعات اندکی در این زمینه انجام شده است. همچنین با توجه به تفاوت‌های مکانی و فرهنگی موجود در مناطق مختلف کشور نمی‌توان نتایج مطالعات مربوط به مهاجرت معکوس در یک منطقه از کشور را به مناطق دیگر با ویژگی‌های فرهنگی و مکانی متفاوت تعمیم داد. بر این اساس با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و موقعیت خاص شهرستان سرپل ذهاب که طی سالهای اخیر بیشترین مهاجرین معکوس را در استان به خود اختصاص داده بود، ضرورت دارد انگیزه‌های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای این شهرستان مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به اینکه یک نظریه نمی‌تواند به طور کامل موضوع مزبور را پوشش دهد، لذا برای چارچوب نظری، از نظریه‌های استفاده می‌شود.

چارچوب نظری

فرضیه	نظریه برداز	شرح نظریه	تحقیقات پیشین
بین اتحاد و همدلی و مهاجرت معکوس رابطه وجود دارد.	نظریه جذب و دفع (تفاوت) اوت. اس. لی،	ویژگی‌های شخصی مهاجران از جمله سن، جنس، تحصیلات، اشتغال، وضعیت تاهل همبستگی‌های خانوادگی و غیره را نیز از عوامل مؤثر بر مهاجرت به شمار می‌آورد.	اشتری مهرجردی و همکاران (۱۳۹۵)،
بین بالا بردن تسهیلات آموزشی در روستا و مهاجرت معکوس رابطه وجود دارد.	اوبری؛	اگر مهاجر موقعیت و فرصت بهتری در مکان‌های غیر کلان شهر بوجود بیاید احتمال دارد که تصمیم و اقدام به مهاجرت برگشتی نماید.	هیاهوونگ (۲۰۱۳)،
بین جاذبه‌های گردشگری و مهاجرت معکوس رابطه وجود دارد.	اوت. اس. لی؛ نظریه رکودی و چرخه حیات؛	جاذبه‌ها و کشش روستاها از لحاظ آب و هوا، کم تراکمی و سکوت و آرامش آن شهرنشینان را جذب خود می‌کنند.	یعقوبی و زبیدی (۱۳۹۷)،
بین فن آوری‌های نوین ارتباطی و مهاجرت معکوس رابطه وجود دارد.	اوت. اس. لی؛ اوبری؛	شبکه مهاجرت را معمولاً پدیده عمده انقلاب ارتباطات تقویت می‌کنند.	مشفق و عیدی تراکمه (۱۳۹۱)،
بین دسترسی به منابع و مهاجرت معکوس رابطه وجود دارد.	نظریه سیستمی، میوگنج (۱۹۷۰)،	جنبه‌های منفی زندگی شهری همانند مشکل بودن دسترسی به کار، مسکن و غیره بازتاب داشته باشد، منجر به کاهش مهاجرت روستا - شهر و شکل‌گیری مهاجرت بازگشتی می‌شود.	قاسمی و همکاران (۱۳۹۳)،



عوامل موثر بر مهاجرت های معکوس

بدون تردید، روستاهای پیرامون شهرهای بزرگ از جمله مهمترین کانون های استقرار جمعیت - های مهاجر از روستاها و حتی شهرهای کوچک به شمار می آید؛ این روستاها به دلیل برخورداری از امتیاز مجاورت و همزیستی با شهر بزرگ بویژه در ابعاد فرصت های شغلی و بهره مندی از خدمات و زیرساخت ها از مزیت ارزانی شرایط زندگی و به خصوص اجاره مسکن و یا حتی خرید زمین یا مسکن بهره مند بوده و تبعاً زمینه ساز رشد بی رویه جمعیت در اینگونه از روستاها می - شود. عوامل مؤثر در رشد مهاجرت های معکوس به روستاهای شهرستان سرپل ذهاب از اهداف توسعه می باشد که به شرح زیر عبارتند از: عوامل اقتصادی عبارتند از: درآمد ثابت و دائمی، امنیت شغلی، تعادل شغلی (ترکیبی شامل بخش های کشاورزی، تجارت و صنعت) امکان کسب یک زندگی آزاد، تقسیم توانایی پاسخگویی منابع، توزیع و مصرف برای مدتی طولانی.

عوامل اجتماعی و فرهنگی عبارتند از: حفظ سلامتی که اساس ادامه حیات جامعه است و نیز دسترسی، تهیه و توزیع آن در سطح جامعه، توسعه آموزش که عامل هدایت توسعه و ایجاد یک زندگی سالم است. رسیدن به خودکفایی براساس ارزش های فرهنگی، حفظ محیط طبیعی بر سلامتی جامعه. مهاجرت از دیدگاه اجتماعی به انگیزه های متعددی چون انگیزه های مربوط به تشکیل یا الحاق به خانوار، تغییر وضعیت زناشویی، انگیزه های مربوط به اعضای خانوار، تحمل ناپذیر شدن شرایط زیست در مبدأ، تمایل به زندگی در جای دیگر عوامل سیاسی که در جوامع مختلف می تواند متفاوت باشد، ولی اصول کلی آن همراه ساختن جامعه روستایی با سیاست های دولت و به دنبال آن استفاده از روستا به عنوان منبع قدرتی پایدار است و عوامل طبیعی با ساخت روستایی.

با ساخت، اصطلاحی است که همه فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی و ... را در بر می‌گیرد. مفهوم با ساخت روستایی به معنای بازتولید مکانی و فضایی، تجدید حیات یا تغییرات فیزیکی - کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، راهبردی و ... در روستاها براساس تأثیرپذیری از عوامل مختلفی را شامل می‌شود که تأثیرات آن‌ها را در روستاها می‌توان ارزیابی، سنجش و اندازه‌گیری کرد.

افزایش مهاجرت معکوس از شهر به روستا در سرپل ذهاب

فرماندار سرپل ذهاب گفت: ساخت و سازها در حوزه روستایی نسبت به قبل از زلزله در شهرستان، ۲۰ درصد افزایش یافته که این به معنای مهاجرت معکوس از شهر به روستا است. فرماندار سرپل ذهاب در گفتگو با خبرنگاری فارس در کرمانشاه، درخصوص آخرین روند بازسازی و ساخت و ساز شهرستان زلزله‌زده سرپل ذهاب، اظهار داشت: بیش از ۳۶ هزار واحد در جریان زلزله ۷/۳ ریشتری ۲۱ آبان‌ماه سال ۹۶ از نوع حادثی و تعمیراتی شناسایی شد. فرماندار سرپل ذهاب ادامه داد: بیش از ۱۷ هزار مورد از این تعداد واحد تخریبی و ۱۸ هزار و ۶۸۴ واحد نیز تعمیراتی بودند که تا به امروز کار احداث بیش از ۱۳ هزار واحد شهری و روستایی و کار تعمیر تمامی واحدهای تعمیراتی، به پایان رسیده است. وی تبدیل آسیب به فرصت را موضوع اساسی در بحث بازسازی در مناطق زلزله‌زده دانست و گفت: ۱۸ هزار و ۹ واحد روستایی قبل از زلزله در بخش مرکزی شهرستان داشتیم که اکنون به ۱۲ هزار و ۹۳۳ مورد رسیده یعنی با ۲ هزار و ۱۴۳ واحد بیش از گذشته، ۲۰ درصد افزایش ساخت‌وساز در حوزه روستایی داشته‌ایم این به معنای مهاجرت معکوس از شهر به روستا است. جمالی‌نیا حوزه تراکم ساختمانی در شهرستان قبل از زلزله را ۱/۲ درصد اعلام کرد و افزود: بعد از زلزله تراکم ساختمانی در حوزه ساخت و ساز در شهرستان به ۳/۸ درصد رسیده است. جمالی‌نیا در اشاره به ساخت و ساز مسکن مهر سرپل ذهاب، اضافه کرد: از ۲۴ بلوک مسکن مهر شهید شیرودی، سه بلوک با ۷۲ واحد کاملا تخریب شد که ساخت و ساز آن با پیشرفتی حدود ۳۰ درصدی در حال انجام است. وی در رابطه با بلوک‌های باقی‌مانده، گفت: ۱۱ بلوک باقی‌مانده در قالب ۵۰۴ واحد آپارتمانی با تمام توانی که مسکن و شهرسازی به کار بسته تا آخر شهریورماه به مالکان آن تحویل داده می‌شود. فرماندار سرپل ذهاب در پایان، خاطر نشان کرد: از ۵۷ مدرسه در حال بازسازی ۴۵ مدرسه عملاً به بهره‌برداری می‌رسد، ۱۲ مدرسه باقی‌مانده دیگر در جریان ساخت و ساز است که ان‌شاءالله تا مهرماه با اتمام روند بازسازی آماده می‌شوند.

روش تحقیق

این پژوهش با روش پیمایشی صورت گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش

تبیین عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مهاجرت معکوس از شهر به روستا

شامل تمامی شهروندان ۱۵ سال به بالای ساکن روستاهای شهرستان سرپل ذهاب می‌باشند که دارای مهاجرت معکوس می‌باشد در تا سال ۱۳۹۶ جمعیت این افراد برابر ۲۱۴۳ بوده است. نمونه این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردیده است که برابر ۴۰۶ نفر است. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شده است (نمونه‌گیری به معنای برداشتن نسبتی از جامعه یا کل به عنوان معرف یا نماینده است این نمونه باید اکثر ویژگی‌های جامعه کل را داشته باشد تا بتوان نتایج حاصل از آن را به کل تعمیم داد. داده‌ها بر اساس طرح نمونه-ای سهمیه‌ای مبتنی بر گروه سنی ۱۵ سال به بالا، جنس و منطقه محل سکونت (همه افرادی که دارای مهاجرت معکوس تا سال ۱۳۹۶) متناسب با حجم جمعیت جمع آوری شده است که تا حد امکان معرف جامعه و متناسب با هدف‌های پژوهش باشد و به منظور کارایی بیشتر و نتایج مطلوب‌تر، تعداد پرسشنامه بیشتری توزیع و سعی شده تا تمام پرسشنامه‌ها توسط محقق در اختیار پرسش شونده‌گان قرار داده شود تا با دقت هر چه تمام‌تر دیدگاه‌های افراد جمع‌آوری و تحلیل گردد. سطح تحلیل در این تحقیق سطح خرد می‌باشد، واحد تحلیل در این پژوهش نیز خانوارهای مهاجر از شهر به روستا در شهرستان سرپل ذهاب هستند و همچنین واحد مشاهده نیز در تحقیق حاضر فرد است زیرا پرسشنامه‌ها توسط افراد تکمیل گردیده است. پس از استخراج داده‌ها، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در آمار توصیفی، از جداول و نمودارهای توصیفی و شاخص‌های فراوانی، میانگین و انحراف معیار استفاده شده و در بخش آمار استنباطی چون در پژوهش حاضر در فرضیات به دنبال تبیین عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مهاجرت معکوس از شهر به روستا می‌باشد. لذا از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش معادلات ساختاری استفاده شده و برای این کار از نرم افزارهای Amos و Spss استفاده شده است. برای حصول اطمینان از اعتبار صوری وسیله‌ی اندازه‌گیری به کار گرفته شده‌اند، عبارتند از: استفاده از پرسشنامه‌های آزمون شده قبلی در پژوهش‌های مشابه، نظرخواهی از اساتید راهنما و مشاور. برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	مقدارروایی
مهاجرت معکوس	۱۲	۰/۷۲
اتحاد و همدلی	۴	۰/۷۰
تسهیلات آموزشی	۴	۰/۷۱
جاذبه‌های گردشگری	۷	۰/۷۳
فن آوری‌های نوین ارتباطی	۴	۰/۷۲
دسترسی به منابع	۶	۰/۷۴

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود کلیه متغیرهای تحقیق از پایایی لازم برخوردارند چراکه مقدار الفای کرباخ بزرگتر از ۰/۷ می‌باشد.

یافته‌های توصیفی

در این بخش با استفاده از جداول و نمودارها به توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و همچنین توزیع پاسخ‌ها درباره متغیرهای پژوهش پرداخته شده است.

توصیف متغیرهای زمینه‌ای

جدول آمار توصیفی سن پاسخگویان

۴۰۶	تعداد
۲۹/۶	میانگین
۲۸	میانه
۲۵	نما
۵۸	دامنه تغییرات
۲۰	پایین‌ترین
۶۳	بالا‌ترین

در این پژوهش بیشترین فراوانی پاسخگویان در گروه سنی ۲۵ سال برابر با ۴۵ نفر می‌باشد پایین‌ترین سن پاسخگو ۲۰ سال و بالاترین ۶۳ سال می‌باشد. میانگین سنی پاسخگویان ۲۹/۶ سال می‌باشد.

جدول آمار توصیفی تحصیلات پاسخگویان

فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی	
۴	۰/۹	۰/۹	بی سواد	تحصیلات
۱۰۹	۲۶/۹	۲۷/۸	ابتدایی	
۲۴۵	۶۰/۴	۸۸/۲	دیپلم	
۴۶	۱۱/۴	۹۹/۶	لیسانس	
۲	۰/۴	۱۰۰	فوق لیسانس و بالاتر	
۴۰۶	۱۰۰		جمع	

از نظر تحصیلات ۰/۹ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۲۶/۹ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۶۰/۴ درصد دیپلم و ۱۱/۴ درصد لیسانس و ۰/۴ درصد فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند. بیشترین نما مربوط به دیپلم‌ها بوده است با توجه به فراوانی نسبی، ۸۸ درصد نمونه آماری دارای تحصیلات دیپلم و کمتر و ۱۲ درصد نیز دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر می‌باشند.

جدول آمار توصیفی وضعیت تأهل پاسخگویان

وضعیت تأهل	تعداد	فراوانی نسبی
مجرد	۲۲۳	۵۴/۹
متأهل	۱۸۳	۴۵/۱
جمع	۴۰۶	۱۰۰

جدول توزیع فراوانی و درصد جمعیت مورد مطالعه را بر حسب وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های این جدول از کل نمونه مورد بررسی، ۲۲۳ نفر (۵۴/۹ درصد) مجرد و ۱۸۳ نفر (۴۵/۱ درصد) نیز متأهل بودند.

مهاجرت معکوس

جدول توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب متغیر مهاجرت معکوس

گزینه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۱۱۱	۲۷/۳۳
متوسط	۲۰۰	۴۹/۲۶
زیاد	۹۵	۲۳/۴۱
میانگین	۳/۹۶۰۹	
میانه	۳/۹۲۸۶	
انحراف استاندارد	۰/۵۵۹۵۳	
حداقل	۲/۱۴	
حداکثر	۵/۰۰	

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود با توجه به پاسخ شرکت‌کنندگان به سوالات متغیر مهاجرت معکوس ۲۷/۳۳ درصد در طبقه کم؛ ۴۹/۲۶ درصد در طبقه متوسط و ۲۳/۴۱ درصد در طبقه زیاد قرار می‌گیرند.

بحث و ارائه یافته‌ها

بررسی نرمال بودن داده‌ها

در ابتدا قبل از بررسی فرضیه‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف به بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش می‌پردازیم، زیرا نحوه توزیع داده‌ها و یا به عبارتی تبعیت یا عدم

¹-One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test

تبعیت آنها از توزیع نرمال، نوع آزمون‌های آماری متناسب (آزمون‌های پارامتریک یا آزمون‌های غیر پارامتریک) را رقم می‌زند.

جدول نتایج آزمون کولموگراف-اسمیرنف جهت نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار Z	سطح معناداری
اتحاد و همدلی	۲۶/۸	۳/۸	۰/۰۲۳	۰/۱۲
تسهیلات آموزشی	۱۷/۷	۳/۳	۰/۰۳۳	۰/۲
جاذبه های گردشگری	۱۵/۵	۲/۳	۰/۰۲۸	۰/۰۸
فن آوری های نوین ارتباطی	۱۸/۲	۲/۵	۰/۰۴۴	۰/۰۸
دسترسی به منابع	۲۰/۵	۲/۴	۰/۰۴۱	۰/۰۷
مهاجرت معکوس	۲۸/۸	۲/۴	۰/۰۲۱	۰/۲۳

متغیرهای پژوهش دارای سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ است؛ لذا فرض نرمال بودن توزیع برقرار است، بنابراین برای تحلیل فرضیه‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌کنیم. در پژوهش حاضر به منظور آزمون فرضیه‌ها از تجزیه و تحلیل معادلات ساختاری استفاده شده است.

بررسی کیفیت نمونه

در انجام تحلیل عاملی ابتدا باید از این مسأله اطمینان حاصل شود که آیا داده‌های تحقیق قابل تقلیل به چندین عامل پنهانی است یا خیر؟ بدین منظور از دو آزمون KMO و بارتلت استفاده می‌شود. شاخص KMO کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند و از این طریق مشخص می‌سازد آیا واریانس متغیرهای تحقیق تحت تاثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی است یا خیر. این شاخص در دامنه صفر تا یک قرار دارد و مقادیر نزدیک به یک نشان می‌دهد داده‌های اندازه نمونه مناسب است. می‌توان سه طیف را برای این نوسان تعریف کرد و برای هر مورد تصمیم به انجام یا عدم انجام تحلیل عاملی گرفت:

- مقادیر ۰/۴۹ و کمتر: انجام تحلیل عاملی پیشنهاد نمی‌شود.

- مقادیر ۰/۵۰ تا ۰/۶۹: انجام تحلیل عاملی در صورت اصلاحات داده‌ها پیشنهاد می‌شود.

- مقادیر ۰/۷۰ و بالاتر: انجام تحلیل عاملی پیشنهاد می‌شود.

آزمون بارتلت بررسی می‌کند چه هنگام ماتریس همبستگی از نظر ریاضی شناخته شده (ماتریس همبستگی و واحد) است. اگر سطح معنی‌داری آزمون بارتلت کوچکتر از ۵ درصد باشد تحلیل عاملی برای شناسایی مدل عاملی مناسب است زیرا فرض یکه بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود. یعنی ارتباط معنی‌داری بین متغیرها وجود داشته و امکان کشف ساختار از داده‌ها

ممکن است.

جدول مقدار KMO، مقدار آماره بارتلت، درجه آزادی و sig آزمون بارتلت را نشان می دهد. از آنجایی که مقدار شاخص KMO برابر ۰/۹۴ (بالای ۰/۷۰) است، تعداد نمونه برای تحلیل عاملی و تحلیل مسیر با مدل معادلات ساختاری کافی می باشد. همچنین مقدار sig آزمون بارتلت، کوچکتر از ۵ درصد است که نشان می دهد ارتباط معنی داری بین متغیرها وجود دارد و تحلیل عاملی برای شناسایی مدل ساختاری مناسب است.

جدول ۷: شاخص KMO و آزمون بارتلت برای بررسی کفایت نمونه

مقدار KMO	آماره آزمون بارتلت	درجه آزادی	سطح معنی داری
۰/۹۴	۹۵۳۱/۷۱	۹۹۰	۰/۰۰۱

مدل بیرونی (مدل اندازه گیری)

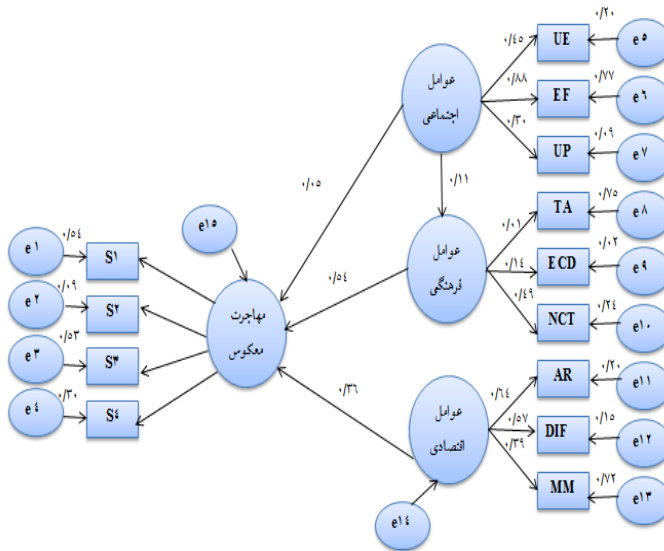
در روش شناسی مدل معادلات ساختاری، لازم است تا روایی سازه مورد مطالعه قرار گرفته تا مشخص شود نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه گیری سازه های مورد نظر خود از دقت لازم برخوردار هستند. یعنی آیا سؤالات برای اندازه گیری متغیرها درست انتخاب شده اند یا خیر؟ برای این منظور از تحلیل عاملی تائیدی (CFA) استفاده می شود. به این شکل که بار عاملی هر نشانگر با سازه خود دارای مقدار t معنی دار در سطح خطای ۵ درصد باشد یعنی مقدار آن خارج از بازه ۱/۹۶ و ۱/۹۶- باشد، همچنین بار عاملی هر نشانگر با سازه خود بالاتر از ۰/۵۰ باشد (در این صورت این متغیر حداقل ۲۵ درصد از واریانس متغیر پنهان را اندازه گیری کرده است)، آنگاه این نشانگر از دقت لازم برای اندازه گیری آن سازه یا صفت مکنون برخوردار است. بدین منظور تحلیل عاملی تائیدی بر روی گویه های پرسشنامه صورت گرفت. تمامی سؤالات دارای بار عاملی بالای ۰/۵ هستند و دقیقاً متغیرهای پیش بینی شده در پرسشنامه را اندازه گیری می کنند.

جدول ۸: علایم به کار رفته در مدل پژوهش

متغیر	متغیر	علامت
Unity and empathy	اتحاد و همدلی	UE
Educational facilities	تسهیلات آموزشی	EF
urban problems	مشکلات شهری	UP
Tourist Attractions	جاذبه های گردشگری	TA
Escape from cultural damage	فرار از آسیب های فرهنگی	ECD
New communication technologies	فن آوری های نوین ارتباطی	NCT
Access to resources	دسترسی به منابع	AR
Development of infrastructure and infrastructure facilities	توسعه زیرساخت ها و امکانات زیربنایی	DIF
Make money	ایجاد درآمد	MM
Reverse migration	مهاجرت معکوس	RM

در ادامه مدل اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق را در حالت ضرایب استاندارد مشاهده می‌نمایید.

نمودار مدل اندازه‌گیری در حالت استاندارد کلی



بر اساس شکل تمام مقوله‌ها؛ قابل تقلیل است. برای بررسی میزان برازش مدل آزمون شده از شاخص‌های معرفی شده توسط کلاین (۲۰۱۱) استفاده شد. این شاخص‌ها شامل X^2/df که مقادیر کمتر از ۳ قابل پذیرش هستند، شاخص نیکویی برازش GFI، شاخص برازش تطبیقی CFI که مقادیر نزدیک و بیشتر از ۰/۹ قابل قبول هستند، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته AGFI که مقادیر بیشتر از ۰/۸ قابل قبول هستند و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب Rmse که مقادیر کمتر از ۰/۰۸ نشانگر برازش مناسب الگو هستند.

جدول شاخص‌های برازندگی مدل

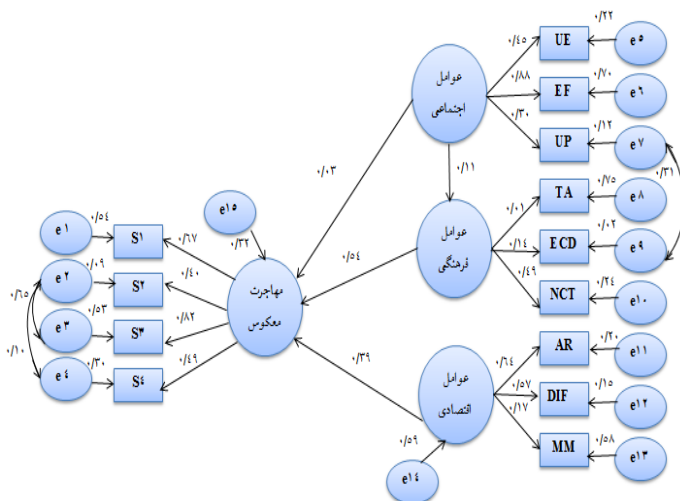
χ^2/df	RMSEA	CFI	GFI	AGFI
۱/۱۰	۰/۰۷۲	۰/۹۳	۰/۹۸	۰/۸۸

شاخص برازش تطبیقی CFI با مقدار ۰/۹۳ و شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآور RMSEA با مقدار ۰/۰۷۲ که نماینده برازش مقتصد می‌باشد نشان دهنده تناسب مدل برازش است. شاخص نیکویی برازش GFI که نماینده برازش مطلق می‌باشند ۰/۹۸ را برای مدل نشان می‌دهند و این امر دلالت دارند که در مجموع داده‌های جمع آوری شده نزدیک به دامنه قابل قبول است و مدل تدوین شده تایید می‌شود.

مدل درونی (مدل ساختاری)

این مدل به تشریح روابط بین متغیرهای نهفته می‌پردازد و مشخص می‌کند که چه میزان از واریانس یک متغیر نهفته توسط سایر متغیرهای نهفته تبیین می‌شود.

نمودار مدل اصلی تحقیق



جدول نتایج برازش مدل نهایی پژوهش

مدل کای اسکوتر درجه	نسبت کای شاخصی	شاخص برازش	شاخص برازش	شاخص ریشه دوم
(χ^2)	اسکوتر به درجه آزادی)	توکری	شده تطبیقی	میانگین مربعات
df	آزادی (χ^2/df)	برازش (GFI)	لونیس (CFI)	مقتصد (PCFI)
				یاقی
				مانده (RMSEA)
۲۷۶۰/۸۹	۹۳۰	۲/۹۶	۰/۹۸	۰/۰۷۲
مدل نهایی پژوهش				

شاخص تطبیقی (CFI) که برای آزمون مدل استفاده می‌شود، هر چه بیشتر از ۰/۹ باشد نشان دهنده برازش مناسب مدل است. شاخص مطلق (GFI) این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا

واریانس خطا که پس از برازش مدل باقی می‌ماند؛ مقدار قابل توجهی است یا خیر. در پژوهش حاضر چون بیشتر از $0/8$ است، نشان دهنده مناسب بودن برازش مدل است.

بررسی فرضیه پژوهش

فرضیه شماره ۱: به نظر می‌رسد بین اتحاد، همدلی و مهاجرت معکوس رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ضریب همبستگی بین اتحاد و همدلی و مهاجرت معکوس

مهاجرت معکوس		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۱	۰/۷۰	اتحاد و همدلی

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود نتایج ضریب همبستگی در سطح خطای کمتر از $0/01$ معنادار شده است. همچنین نتایج ضریب همبستگی $0/70$ شده است که جهت آن مثبت است به عبارتی می‌توان گفت با افزایش اتحاد و همدلی، مهاجرت معکوس نیز افزایش پیدا خواهد کرد. لذا می‌توان گفت فرض پژوهش مبنی بر بین اتحاد و همدلی و مهاجرت معکوس رابطه وجود دارد، تایید می‌شود.

فرضیه شماره ۲: به نظر می‌رسد بین بالا بردن تسهیلات آموزشی در روستا و مهاجرت معکوس رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ضریب همبستگی بین تسهیلات آموزشی و مهاجرت معکوس

مهاجرت معکوس		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۱	۰/۳۴	تسهیلات آموزشی

نتایج ضریب همبستگی در سطح خطای کمتر از $0/01$ معنادار شده است. همچنین نتایج ضریب همبستگی $0/34$ شده است که جهت آن مثبت است به عبارتی می‌توان گفت با افزایش تسهیلات آموزشی، مهاجرت معکوس نیز افزایش پیدا خواهد کرد. لذا می‌توان گفت فرض پژوهش مبنی بر بین تسهیلات آموزشی و مهاجرت معکوس رابطه وجود دارد، تایید می‌شود.

فرضیه شماره ۳: به نظر می‌رسد بین جاذبه‌های گردشگری و مهاجرت معکوس رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ضریب همبستگی بین جاذبه‌های گردشگری و مهاجرت معکوس

مهاجرت معکوس		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۱	۰/۷۴	جاذبه های گردشگری

نتایج ضریب همبستگی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنادار شده است. همچنین نتایج ضریب همبستگی ۰/۷۴ شده است که جهت آن مثبت است و به عبارتی می توان گفت با افزایش جاذبه های گردشگری، مهاجرت معکوس نیز افزایش پیدا خواهد کرد. لذا می توان گفت فرض پژوهش مبنی بر اینکه بین جاذبه های گردشگری و مهاجرت معکوس رابطه وجود دارد، تایید می شود.

فرضیه شماره ۴: به نظر می رسد بین فناوری های نوین ارتباطی و مهاجرت معکوس رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ضریب همبستگی بین فناوری های نوین ارتباطی و مهاجرت معکوس

مهاجرت معکوس		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۱	۰/۶۹	فن آوری های نوین ارتباطی

نتایج ضریب همبستگی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنادار شده است. همچنین نتایج ضریب همبستگی ۰/۶۹ شده است که جهت آن مثبت است و به عبارتی می توان گفت با افزایش فناوری های نوین ارتباطی، مهاجرت معکوس نیز افزایش پیدا خواهد کرد. لذا می توان گفت فرض پژوهش مبنی بر بین افزایش فناوری های نوین ارتباطی و مهاجرت معکوس رابطه وجود دارد، تایید می شود.

فرضیه ۵: به نظر بین دسترسی به منابع و مهاجرت معکوس رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ضریب همبستگی بین دسترسی به منابع و مهاجرت معکوس

مهاجرت معکوس		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۱	۰/۷۵	دسترسی به منابع

نتایج ضریب همبستگی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنادار شده است. همچنین نتایج ضریب همبستگی ۰/۷۵ شده است که جهت آن مثبت است به عبارتی می توان گفت با افزایش دسترسی به منابع، مهاجرت معکوس نیز افزایش پیدا خواهد کرد. لذا می توان گفت فرض پژوهش مبنی بر بین دسترسی به منابع و مهاجرت معکوس رابطه وجود دارد، تایید می شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مهاجرت معکوس از شهر به روستا اجرا شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین اتحاد و همدلی، تسهیلات آموزشی، جاذبه‌های گردشگری، فناوری‌های نوین ارتباطی، دسترسی به منابع و مهاجرت معکوس از شهر به روستا رابطه معناداری وجود دارد. جریان غالب مهاجرت از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به بزرگ، طی سال‌های اخیر جریان وارونه مهاجرت از شهرها به خصوص، کلان شهرها به نواحی روستایی پیرانشهری شکل گرفته است که معکوس روند غالب مهاجرت‌ها و از شهر به روستا است و مهاجرت معکوس نامیده می‌شود. این نوع مهاجرت به علت مشکلات فراوان شهری انجام می‌گیرد. در تبیین نتایج یافته‌های این فرضیه می‌توان گفت در دنیای پیچیده، در حال تحول و اغلب پرهیاهوی امروزی، پیوندهای بین کار و مهاجرت از هر زمان دیگر محکم‌تر و پر رنگ‌تر می‌شود. افراد پیوسته با انبوهی از نگرانی‌ها در مورد نقش و معنی و مفهوم کار در زندگی خود، از جمله با مسائل برنامه ریزی شغلی، تصمیم‌گیری شغلی، رسیدن به پست سازمانی، از دست دادن شغل، کارائی شغلی، فشار و استرس کار، عدم فرصت کاری، توازن کار-زندگی، طرح ریزی زندگی، برنامه ریزی و تنظیم دوره بازنشستگی و موارد دیگر، روبرو می‌شوند. این نگرانی‌ها بر سعادت فردی در یک دوران بی‌ثباتی شدید اقتصادی، تجدید ساختار سازمانی و "بی‌شغلی" به عنوان شکلی از تغییر وضعیت اشتغال از حالت داشتن شغل‌های متعدد تا پروژه‌ها و ماموریت‌ها تاثیر می‌گذارد. مهاجران نیز جمعیتی را تشکیل می‌دهند که دارای نگرانی خاص شغلی هستند و باورهای شدیدی به فرصت‌های شغلی در کشورهای مقصد دارند.

پیشنهادات و راهکارها

در ابتدا در یک روستا باید بررسی استعدادهای روستا و امکانات موجود؛ سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز؛ بررسی دقیق هزینه‌ها و هزینه‌یابی؛ میزان اشتغال جدید معتبر از این سرمایه‌گذاری‌ها؛ بازدهی در مدت زمان مشخص و تدوین برنامه دقیق و زمانبندی شده مورد توجه قرار گیرد و همزمان با این برنامه‌ها کارشناسان اجتماعی-اقتصادی با برآورد هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی یک مهاجر (از روستا به شهر و شهر به روستا) به سرجمع هزینه‌های مهاجرت‌ها دست یابند.

راهکارهای معرفی شده زیر می‌تواند در جهت دهی این گونه فعالیت‌ها موثر واقع شود:

- حفظ نیروهای روستایی ساکن
- ارتقاء سطح بهره‌وری و کارآیی نیروی انسانی و امکانات موجود؛
- بازگرداندن روستاییان مهاجر و خانواده‌هایشان؛
- کمک مالی به مهاجران در جهت اسکان ولی نه مجانی و بدون زحمت؛

- بالا بردن سطح فرهنگ و اخلاق در روستاها

- ایجاد و عملیات اجرایی جدی (نه شعاری)

- سیستم مهاجرت از شهر به روستا (مانند بازنشستگان، جوانان بیکار و...) تا هر روستایی بتواند پس از یکپارچه سازی اراضی مشارکت در احداث باغ یا مزرعه مکانیزه و مدرن مشغول به فعالیت مفید اقتصادی گردد. نتیجه چنین فعالیت‌هایی در نهایت، منجر به توسعه اجتماعی-اقتصادی آن منطقه می‌شود.

- در هر روستا اگر احداث واحدهای کوچک تولیدی از قبیل مرغداری، گاوداری، گوسفند-داری و یک گلخانه و حوضچه پرورش ماهی در محدوده خانه و مزرعه شکل نوین به خود گیرد، نیاز مواد غذایی این خانواده‌ها تامین و تولیدات مازاد نیز از طریق تعاونی به فروش می‌رسد. اشتغال‌زایی در روستاها را عامل و راهکار عمده جلوگیری از مهاجرت بیرویه روستاییان به شهر و شکل‌گیری مهاجرت‌های معکوس به روستاها می‌دانند.

منابع فارسی

- آذر منافی‌آذر و همکاران (۱۳۹۶)، مهاجرت بازگشتی و پیامدهای آن بر سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش باروق شهرستان میاندوآب)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی دوره ۱۲، شماره ۱ (پیاپی ۳۸)

- اباذر اشتری مهرجردی و همکاران (۱۳۹۵)، بررسی جامعه شناختی خانه های دوم در ایران و بررسی پیامدهای آن (مطالعه موردی شهرستان فراهان)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸

- جعفر یعقوبی، طاهره زبیدی (۱۳۹۷)، بررسی انگیزه‌های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود- استان زنجان، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۹، شماره ۲ - حسن افراخته، محمد حجی‌پور (۱۳۹۲)، تحول نظام مالکیت اراضی روستایی؛ علل و پیامدها (مورد: روستاهای تقاب و معصوم آباد در شهرستان خوسف)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۵

- حسن افراخته و همکاران (۱۳۹۶)، اثرات مکانی- فضایی مهاجرت بازگشتی در شهرستان میاندوآب، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۵ (۱)

- رسول ربانی و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی- اقتصادی (مطالعه موردی مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال دوم، شماره پنجم

- علی اصغر مهاجرانی، زهرا روستا (۱۳۹۳)، بررسی مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و تغییرات فرهنگی و سیاسی در روستاهای شهرستانهای تنکابن و رامسر واقع در استان مازندران ۱۳۸۵-۱۳۹۰، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال پنجم، شماره ۱۳
- مریم قاسمی و همکاران (۱۳۹۳)، تحلیلی بر علل شکل‌گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی شهرستان بینالود، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال ۴، شماره ۱۶،
- مریم قاسمی و همکاران (۱۳۹۳)، تحلیلی بر علل شکل‌گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی شهرستان بینالود، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال ۴، شماره ۱۶
- مجتبی علی بابایی، محمود جمعه‌پور (۱۳۹۵)، فرآیند و الگوی مهاجرت معکوس روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهستان حاجیلو شهرستان کبودرآهنگ)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۵ (۴)
- محمود مشفق، هدایت عیدی تراکمه (۱۳۹۱)، سنجش رابطه مشوق‌های دولتی مهاجرت با تمایل به مهاجرت معکوس در ایران (مطالعه موردی کارمندان دفاتر ستادی وزارت جهاد کشاورزی تهران)، فصلنامه جمعیت
- نغمه محمدپورلیما، فرشید عالیزاد (۱۳۹۷)، واگرایی شهری و فرایند خروج ساکنان از منطقه کلان شهری (مورد شناسی: تهران)، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۲۹

English Resources

- Mirfallah Nasiri, SM., Azimi, F., & Sabaghi, S. (2017), **Is reverse migration is happening in Iran?** (Persian). Journal of Statistic, 4(4)
- Rebhun, U., & Brown, D.L. (2015), **Patterns and selectivities of urban/rural migration in Israel**, Demographic Research, 33, 113